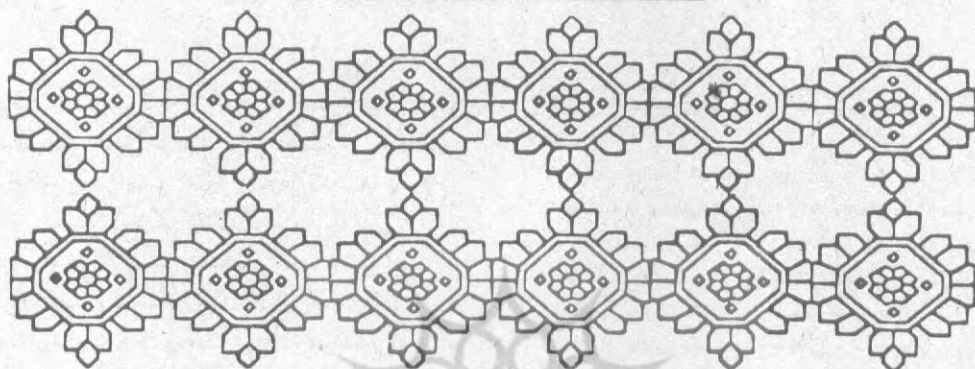


مخاطب و سینما در

پرتودین

حجت الاسلام محمد جواد وارسته



حمله برد^(۲). و دومی به صورت گفتگو میان چند تن نوشته شده است که گردآمده‌اند تا پیرامون تورات و انجیل و زبور و قرآن بیطرفانه تحقیق کنند^(۳). همه این زحمات برای دفاع از اسلام بود.

به نظر می‌رسد اگر علامه بلاغی در این دوران می‌زیست و قوت و قدرت و ظرفیت بالای سینما را در امر تبلیغ دین می‌یافت و شدت نفوذ آن را در اذهان همه طبقات اجتماعی می‌دید - که اکنون این مسئله امری بدیهی است - قطعاً برای فراگیری این زبان نیز سرمایه‌گذاری می‌کرد تا با فراگیری آن بتواند از دین دفاع کند و به سینمای تشنه محتوای دنیا، محتوا ببخشد و موضوع بدهد آنهم از سینمایی‌ترین و هنری‌ترین مذهب یعنی شیعه (سینما و هنر واقعی).

«یکی از مستشرقین فرانسوی در یکی از کنفرانسهای خودشان چنین گفته بود: ما اگرچه در مورد مسیحی کردن جوانان مسلمان در اروپا و آمریکا شکست خوردیم لیکن همین اندازه بس است که بتوانیم تخم شک را در دل این جوانان بپاشیم و عقیده آنان را از قرآن برگردانیم.»^(۴)

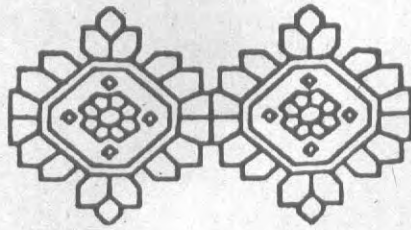
علامه بلانی با بیداری تمام این کلمات را می‌شنید و برای جلوگیری از حمله مستشرقین به مسلمانان و مقدسات دینی، دست به تألیف کتاب‌های مذکور زد.

علامه بلاغی اگر در این زمان بود و می‌دید فرهنگ تصویری و متحجر مسیحیت بطور شفاف در مانیتورها حضور یافته و همان پیام کلیشه‌ای و تکراری‌اش را دائماً با ضربآهنگ ناقوسش بر سر بشریت و به ویژه جوامع اسلامی می‌کوبد و در مقابل فرهنگ غنی و

ضرورت بازشناسی سینما و ظرفیت‌های آن برای ارائه معارف دینی:

یکی از مشاهیر عالمان شیعه و مشعلداران هدایت جامعه یعنی علامه محمد جواد بلاغی نحضی قدس سره، با اینکه از نظر مالی دستش خیلی خالی بود، برای فراگیری زبان عربی همه موجودیش را می‌داد، استاد فرزانه محمد رضا حکیمی در: «بیدارگران اقالیم قبله» در این مورد چنین می‌نویسد: «در آن روزگاران گروهی یهودی در شهرهای عراق بودند که مقصدی جنس، پارچه و امثال آن، بردوش داشتند و در کوچه و بازار می‌گشتند و می‌فروختند. بلاغی از این فرصت استفاده می‌کرد و دربارهٔ مفردات و جمله بندی زبان عربی از آنان چیزهایی می‌پرسید. گاه مجبور می‌شد همه اجناس [و به اصطلاح خرت و پرت] یک یهودی دوره گرد را بخرد تا از او دربارهٔ یک واژه یا ترکیب سخنی بشنود. چون یهودیان در آموختن لغت خود بر دیگران بسیار بخل می‌ورزند بلاغی گاهی شیرینی و شکلات می‌خرید تا اگر بچه‌ای یهودی ببیند به او بدهد و چیزی از او بپرسد.»^(۱)

این همه تلاش برای این بود که زبان عربی را یاد بگیرد تا بتواند تورات را بخواند و بفهمد. ثمرهٔ این زحمات کتابهای «الهدی الی دین المصطفی» و «الرحلة المدرسیة» است که اولی یکی از نمونه‌های بسیار ارزشمند علم عقاید و فن تحقیق و انتقاد است که در آن بلاغی خامه خویش را مانند شمشیر که از نیام درآوردند، درآورد و به ملحدان و کشیشان و مستشرقان با تیغ قلم



«پنج سال در سینما معادل یک دوره کامل ادبی است»^(۵) بنابراین چند سال تاریخ سینما باید تقریباً معادل سه هزار سال از تاریخ ادبی باشد!

آیا در عصر حاکمیت ماهواره نباید نگران سرنوشت کتاب بود؟ و می توان فقط با تهیه کتاب یا مجلات جلو این تهاجم عظیم را گرفت؟ و در زمانی که کانال های ماهواره ای و دستگاه های ویدئویی به عنوان ابزارهای بسیار مؤثر در ترویج فرهنگ مبتذل غربی به سرعت گسترش پیدا می کنند و جوامع بشری را مورد تهدید جدی قرار داده اند، با چه برنامه ای می توان جوانان را که اصلی ترین مخاطبان و تغذیه شوندگان چنین برنامه هایی هستند از خطر انحراف و بزهکاری و کجروی اجتماعی حفظ کرد؟

آیا این سرزمین کشور حجاز و سرزمین وحی نیست که در آن کانال های تلویزیون مضر بخصوص در جده و مکه مکرمه به روشنی قابل دریافت بود و این تلویزیون برنامه های مستهجن از قبیل رقص عربیان زنان را حتی در طول روز پخش می کند و در مکه و مدینه بسیاری از جوانان ساعت ها وقت خود را صرف دیدن فیلم های ویدئویی غیرمجاز نموده و فروشگاه های کرایه و فروش نوار ویدئو در این دو شهر مذهبی به وفور به چشم می خورد؟! آیا این کشور مصر نیست که اولین واردکننده دستگاه های ویدئویی (۱۹۶۸) در جهان عرب بوده است و کارشناسان آگاه در مقابل این سؤال که: «آیا با ورود آنتن های ماهواره ای جایی برای ویدئو باقی خواهد ماند؟» پاسخ می دهند: در کشور مصر آزاد بودن استفاده از برنامه های کانال های مصری که کاملاً باز مسائل جنسی و فحشا و منکر را به صحنه می آورد تأثیری در آمار ویدئوکلپ ها نداشته است. پسران و دختران دبیرستانی در مصر در مدارس با یکدیگر در زودتر تماشا کردن فیلم های جدید رقابت دارند و بجای کتاب شناسی آنجا فیلم شناسی فراوان است!

در کویت زنان، فیلم های عربی عاطفی جدید و مردان، رقص های شرقی را می پسندند و جوانان، دختر و پسر بین ۱۵ تا ۲۵ سال نوارهای رقص «دیسکو» و نوارهای خواننده آمریکایی، «مایکل جکسون» و «مادونا» را ترجیح می دهند.

در بحرین... و در امارات و... و در هند و پاکستان... و در ایران... و در یک جمع بندی ساده و گذرا، رسالت ۹۰٪ از فیلم های ویدئوکلپها عبارت است از: اهانت به آداب و رسوم عرف مردم کشور مربوطه و شیوع ارزش های منفی هنرپیشه های غربی مانند: فریب، دروغ، سرقت، تجسس، خیانت زن و شوهر به

سترگ شیعه در لابلای کتب و در کتابخانه ها و بانکها اطلاعات - را کد باقی مانده چه می کرد؟ آنها با وجود ابزاری پر قدرت همانند سینما.

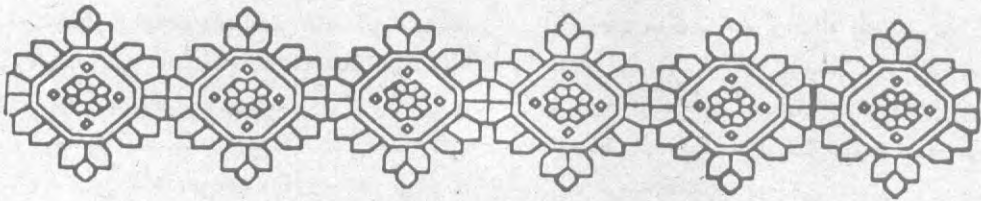
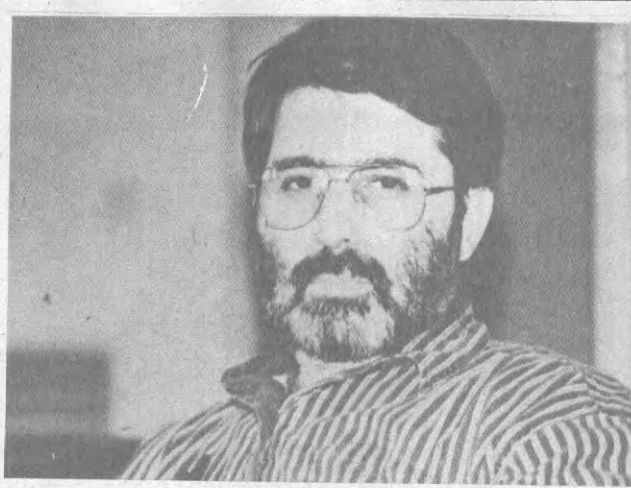
یکی از مباحث بسیار زیبا در مورد مخاطبین سینما این است که برای مخاطبین سینما رفتن به سینما و تماشای فیلم عادت شده است و تماشاگر برای دیدن فیلم هیچ تعصب قومی یا دینی و مسلکی ندارد و هیچگونه حساسیت از خود نشان نمی دهد. وقتی فیلمی در سینما به نمایش گذاشته می شود و یا روی آنتن می آید و در تلویزیون به معرض تماشا قرار می گیرد، مخاطب می نشیند و تماشا می کند و هیچگاه از خود نمی پرسد این فیلم ساخته آمریکا است یا فرانسه و یا انگلستان، و هیچگاه به ذهنش خطور نمی کند که اگر مثلاً فیلم ساخت آمریکا باشد آنرا تماشا نکند، هیچ تعصبی ندارد.

وجود همین دیدگاه در میان مخاطبین باعث شده که زبان سینما زبانی جهانی باشد و تمام اقشار انسانها را شامل شود و بتواند با جامعه بشری حرف بزند بدون از قومیت ها و مذاهب و مسلکها ... و در همین حال که زبان تصویر زبانی جهانی است ممکن است زبان کتاب چنین نباشد، چه بسا مخاطب به خود اجازه ندهد هر کتابی را بخواند و چه بسا مرام و مسلک و مذهب او چنین اجازه ای را به او ندهد. مثلاً در مذهب او بسیاری از کتابها در ردیف کتب ضالّه قرار داشته باشند که خواندن آنها را بر او حرام می کند. (این کلام جدای از سایر محدودیت های فنی است که کتاب در مقابل تصویر متحرک دارد.)

حال اگر صنعت تصویر متحرک در اختیار دین بود با تمام انسان ها بدون واسطه می توانست گفتگو کند؛ آنها انسانهایی که تعصب خود را کنار گذاشته اند و آمده اند تا حرف او را بشنوند و معارف او را با زبان تصویر بیاموزند.

علامه بلاغی اگر اکنون زنده بود چه می کرد؟ آیا اکنون که فیلم های سینمایی خارجی، نوارهای ویدئو و بیش از ۴۰۰ کانال ماهواره که حتی برای ماه مبارک رمضان امسال (۱۴۱۷) نیز با نام پرسپولیس برنامه تهیه دیده و پخش می کرد خطرشان برای افکار توده جوانان و نوجوانان کشورهای اسلامی کمتر از کار مستشرقین و کیشیان آن زمان است؟

آیا در عصری که فیلم و تصویر متحرک جایگزین تمامی رسانه های دیگر شده است، شناختن سینما لازم نیست؟
آندره بازن نظریه پرداز بزرگ سینمای فرانسه معتقد است



آیا مقولهٔ دین در سینما یک ژانر در عرض دیگر ژانرهاست؟

- تصحیح یک تعبیر نادرست:

تعبیر سینمای دینی غیر از سایر محذوراتی که بر آن مرتب است و یکی از برداشتهای نادرستی که از آن می شود همین است که بین سینمای دینی و غیر آن یک نوع تقابلی در ذهن ایجاد می کند. بدین معنا که هر کس تعبیر «سینمای دینی» را می شنود هر سینمای دیگری را غیردینی می پندارد به این ترتیب در نظر او هر فیلمی در هر ژانری که ساخته شده باشد نمی تواند دینی باشد. با حضور دین در سینما هیچ اتفاقی نمی افتد، فقط ساختار و جهت گیری عوض می شود و سینما صیغهٔ الهی می گیرد، همه جا مخاطب این سینما انسان است، یا ایهاالناس است (نه اومانیزم) نگاه آن به بشر است و دردها و رنجهای او البته به همراه داروی شفابخشی، در هر ژانری که ساخته شده باشد. حتی اگر حادثه ای را به تصویر می کشد در پس آن حادثه انسان مطرح است و از حادثه به انسان می رسد. و یا اگر در ژانری تاریخی کار می کند حرفش این است که بازسازی واقعه ای تاریخی همانطور که بود و اتفاق افتاده تأثیری ندارد. این بازبینی است که تأثیر دارد و سینما باید تاریخ را بازبینی کند و از آن پلی برای رسیدن به واقعیات و دستیابی به کلید حل مشکلات بشری بسازد، و مخاطب را به اندیشه و تفکر وادارد. امر به نظر «فَانظُرُوا» نه به بصر و دیدن در قرآن کریم کلام دقیقی است مربوط به همین بحث که بماند. و نیز سایر ژانرها. بنابراین هر سینمایی که مخاطب او بشر باشد و او را به تفکر و اندیشه سازنده وادارد سینمای در پرتو دین است و هر سینمایی که انسان را از واقعیات جدا می کند و تفکر و اندیشه را از او می رباید و در نتیجه انسانیت را، این سینمای در پرتو دین نیست گرچه موضوعش دینی باشد، زیرا به صرف اینکه فیلمی موضوعش دینی بود نمی توان گفت سینمای در پرتو دین تحقق یافته است. ای

یکدیگر، رقابت های عشقی و تجاوز، جنایت، قساوت، وحشیگری، کشتی کج!، بی احترامی به والدین و متدینین و تحقیر آنها، نفاق و دورویی و....^(۶)

بنابراین ما باید سینما و ظرفیت های آن را بشناسیم و ببینیم که با حضور دین در سینما هیچ اتفاقی نمی افتد، یعنی تکنیک های فیلمبرداری، استفاده از نور، صدا، موسیقی، جلوه های ویژه و... همه بجای خود محفوظ است. لیکن با یک ساختار و جهت گیری دیگر، یعنی اینکه صیغهٔ الهی وارد سینما بشود و محتوای دین در فرم سینما عرضه شود آنهم در عصری که سینمای جهان در فقر محتوا می سوزد. یکی از کارگردانان آمریکایی شرکت کننده در جشنواره فیلم فجر (۱۳۷۵) در تهران به خبرنگاران گفته بود «ما داریم خودمان را تکرار می کنیم و دیگر حرفی برای گفتن نداریم». از زبان شهید آوینی بشنویم: «فیلمسازی که می خواهد سینما را مجلای این تجدید میثاق با حقیقت قرار دهد گذشته از آنکه خود او می بایست مظهر آن تجدید عهد باشد، باید سینما را نیز بشناسد و در آن تجربه ای به کفایت داشته باشد تا بتواند قابلیت های سینما را در خدمت تعهد خویش بگیرد و گرنه خود او مغلوب سینما و مقتضیات آن خواهد شد و در هر هنر دیگری نیز کم و بیش همین معنا صادق است.»^(۷) سینما برای سرگرمی و تفریح نیست. سرگرمی سینما در تفکر است. سرگرمی سینما در زنده کردن است. سینما پیامی شریف است برای جهانی که در حال از بین رفتن است. سینمای خوب این جهان در حال نابود شدن را زنده می کند و خود را از روند نابود کردن جهان مبرا می داند، سینما به دنیایی که همه به او ستم می دهند، داروی شفابخش می دهد، مشروط بر اینکه در اختیار دین و در پرتو دین قرار گیرد. سینما محدود به حادثهٔ صرف (مبتدل و غیرمبتدل) نیست، می تواند کار مسیحایی بکند و حیات معنوی به بشر ببخشد و او را به خدا نزدیک سازد.



کارل تودور در ایران

پیامبر (ص) با همسرانش بگونه‌ای است که اگر به تصویر درآید خلاف همه ملودرام‌های دنیا است.

در ژانر جنگی و حماسی تعریف سینما چگونه است و در مقابل امام حسین سلام الله علیه بخشی از یاران و همراهانش را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند و با آنها به میدان نبرد می‌رود و حماسه می‌آفریند و ساختار را عوض می‌کند. هانی با مردانگی که دارد این زیاده را در خانه ترور نمی‌کند به خلاف هاملت یا مبارزین باسگ که بعد از به قدرت رسیدن همه مخالفین را ترور می‌کنند.

در فیلم‌های پرشکوه و با سیاهی لشکر اگر تصویر کنیم پیامبر (ص) را که بعد از لشکرکشی به حدیثیه می‌روند اما در آنجا نه جنگی می‌کنند و نه اسیری می‌گیرند بلکه با قراردادی عجیب ضد قهرمان می‌سازند.

در فیلم‌های فمینیستی زن مادی است در حالیکه نقش زن در دین دیگرگون است نه هیکل خود را به نمایش می‌گذارد و نه مکنت و جاه خود را که مثل ویکتوریا و ژولیت باشد. حضرت زهرا سلام الله علیها ساده زندگی می‌کند و سادگی او کوثر ایجاد می‌کند و در مباحثات و بحث‌های جدی سیاسی و فرهنگی معنی دیگری از زن ارائه می‌کند. و...

تماشاگر و عوامل کشش

هر عنصری که در سینما باعث توفیق برقراری نسبت با مخاطب شود دقیقاً مورد نیاز است و باید مورد بهره‌برداری قرار گیرد، ما در استفاده از این عناصر و تمهیدات در جهت رسیدن به فرآیند تفکر هیچ محدودیتی نداریم، البته از طرفی نمی‌توانیم سینما را فقط به همین عناصر و تمهیدات محدود کنیم و از این تمهیدات برای تحمیق تماشاگران استفاده کنیم زیرا این تمهیدات برای تعالی بخشی انسانی است که مخاطب سینما است. اگر بنای کار ما

بسا فیلم‌هایی که موضوع دینی دارند و در حقیقت ضد دین هستند و ریشه‌های دین را در ذهن مخاطب خود می‌خشکانند.

- دین یک ژانر نیست:

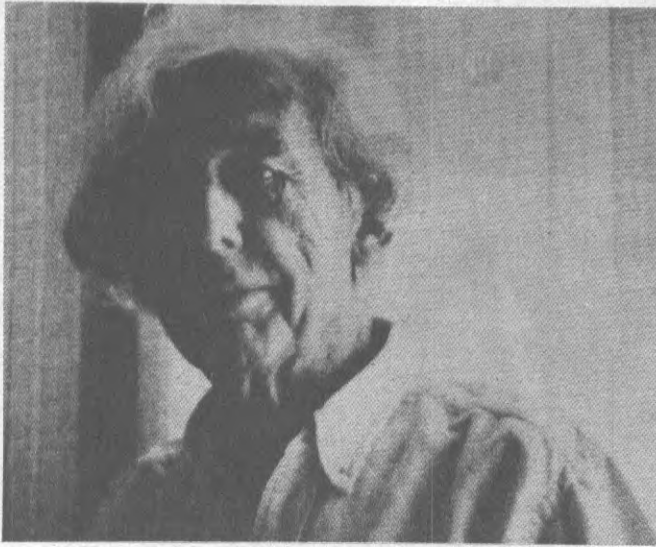
این یک بدفهمی است هم از سینما و هم از دین! این بدفهمی منجر به این شده است که دین را قالبی در کنار قالب‌های دیگر قرار بدهد. در کنار قالب‌های دیگری همچون ژانر حماسی، تاریخی، فلسفی، روانشناسی، اجتماعی، خانوادگی، جنگی، جاده‌ای و... در حالیکه دین قالبی نیست. حقیقت دین امری است که می‌تواند در فرم‌های گوناگونی عرضه شود و سینما یکی از فرم‌های بیان و تبلیغ دین است با تمام ظرفیت‌ها و ژانرهای مختلفی که دارد.

در هریک از ژانرهای سینما دین حرف دارد بلکه ممکن است در هریک از آنها انقلاب کند و ژانر را عوض کند و ژانرهای جدیدی بر ظرفیت‌های سینما بیفزاید. آیا با تعریفی که از ژانر حماسی در سینما داریم، می‌توانیم برخاستن امیرالمؤمنین علی علیه السلام را از روی سینه دشمن (عمرو بن عبدود) در آن نبرد عظیم و سرنوشت‌ساز توجیه کنیم و در ژانر حماسی قرار دهیم؟ حماسه‌ای که او در آنجا آفرید حماسه ایمان به خداوند متعال و اخلاص و هدایت بود. در اوج فیلم این بلند شدن و کنار رفتن ژانر را عوض می‌کند و ارزش‌های دین تجلی می‌کند و ظهور می‌یابد.

این حماسه بقدری زیباست که مولوی را به وجد می‌آورد و او در مثنوی زیبایی با مطلع:

از علی آموز اخلاص عمل شیر حق را دان منزه از دغل
آنها به تصویر می‌کشد. به اعتقاد او برخاستن مولا امیرالمؤمنین علیه السلام از روی سینه دشمن فقط برای فرو خوردن خشم نبود بلکه در اصل برای هدایت کردن دشمن بود زیرا مولا امام هادی است و هدایتش عام است و شامل دشمن نیز می‌شود.

در ملودرام زن همیشه مورد هجوم است در حالی که رفتار



روزگار بر سوز

می فهمند، توجه به اینگونه فیلم‌ها در سینما برای تشخیص سبک‌های مختلف و شناختن ظرفیت‌هایی که سینما دارد برای یک کارشناس لازم است.

در فرض دیگر ممکن است مخاطب متخصص باشد ولی در یکی از مراحل تولید فیلم، مثلاً فیلمبردار باشد یا صداگذار یا تدوین‌گر باشد و فیلم را از زاویه تخصص خودش ببیند. در این حالت او می‌تواند در حیطه تخصص خودش نظر بدهد و ارزش‌گذاری کند.

ولی گاهی مخاطب، فیلم را از دیدگاهی کلی می‌نگرد. یعنی فیلم به عنوان یک فرآورده فرهنگی و یک دستاورد هنری بر او چه اثری گذاشته است؟ و از فیلم به طور کلی چه فهمیده است و فیلم در مورد چه چیزی بوده است. به این سؤالات در فرضی پاسخ داده می‌شود که مخاطب کل نگر باشد. در این فرض دیگر نمی‌تواند نسبت به صحنه‌های خاص یا مرحله فنی خاصی نظر بدهد و از همان منظر نسبت به کل فیلم به قضاوت بنشیند، مثلاً به واسطه اینکه سبک فیلم یا موسیقی آنرا نمی‌پسندد کل فیلم را ناپسند معرفی کند یا اگر چند ثانیه صحنه‌گذاری در فیلم دید و ناپسندش بود حکم به بد بودن کل فیلم بدهد.

پس منظر مخاطب و جایگاهی که در مقابل فیلم دارد بسیار مهم و مشخص‌کننده است و قضاوت‌ها را تعدیل کرده و تأثیرات نامطلوب را می‌زداید.

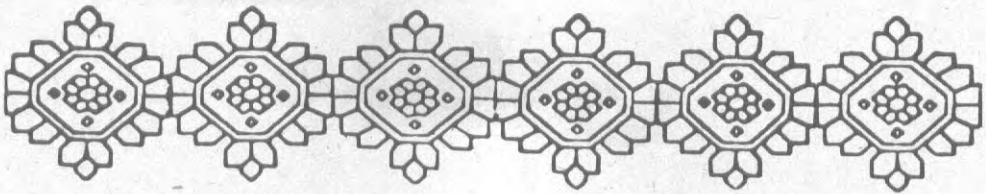
همانطور که در مسائل دینی نیز چنین است، دین به عنوان کل و مجموعه دستورات الهی که بوسیله پیامبر از جانب خداوند متعال برای سعادت دنیا و آخرت بشر آمده است یک مسئله است و منظری که از آن به دین نگاه می‌کنند مسئله‌ای دیگر. لذا این فقط فقه نیست که این پیکره دین است و فقط معارف نیست که این روح دین است بنابراین فقیه از دیدگاه فقه به دین می‌نگرد و در احکام دینی ممکن است اشکالی هم بکند و دیگری هم جواب

بر ایجاد سینمایی اندیشمند و تفکرزا و در پرتو دین باشد این سینما دیگر نیازی به کنترل ندارد. اندازه هنر عنصری (طنز- ترس- حادثه- غافلگیری- عاطفه- زیبایی- هیجان- کشمکش- انتظار و تعلیق و...) خودبخود تعیین می‌شود و سینما از درون خود قوانین خود را تولید می‌کند. زیرا در راستای کمال بخشی، اندیشه‌زایی و بالندگی به پیش می‌رود و در این راستا نیاز دارد تا از تمام ظرفیت‌های آن بهره‌برداری کنیم.

مخاطب سینمای در پرتو دین همان مخاطب قرآن است و نیاز به معرفت دارد با این توضیح پرواضح است که استفاده از بعضی ژانرهایی که در سینما متداول است از این حیث که ساختار اصلی و قوامش ضدانسانی و خلاف کرامت بشری است و کاربردی جز در ترویج فساد و فحشا و منکر و جدا کردن مخاطب از واقعیات و بردن او در اوهام و خیالات ندارد و مغزب روند تفکر و تعقل است و از عوامل تحمیق مخاطب بشمار می‌رود. در سینمای در پرتو دین راهی ندارد و از جرگه این سینما طرد می‌شود.

چند معیار دینی برای مخاطبان

۱. مخاطب باید جایگاه خود را دنبال فیلمی که تماشا می‌کند تعیین کند (یا بشناسد): در یک فرض ممکن است مخاطب کارشناس سینما باشد و با نگاهی کارشناسانه به فیلم نگاه می‌کند در این صورت او می‌تواند عوامل بسیاری را که در تهیه یک فیلم مؤثرند از فیلمنامه گرفته تا تکنیک‌های فیلمبرداری و نحوه تدوین و مونتاژ و دکوپاژ و و دکور و دیالوگ‌ها و موسیقی و ریتم و سبک کلی فیلم و... همه را از نظر گذرانده و نظر بدهد چنین شخصی با وصف کارشناس بودن، مخاطب بسیاری از فیلم‌هایی که مخاطب عام ندارند نیز خواهد بود زیرا فیلم‌هایی هستند که حاوی گرامر و دستورزبان فیلم هستند و چه بسا اصلاً به درد مخاطب عام نمی‌خورند. یا در سبک‌هایی هستند که فقط متخصصین فن آنها را



وقتی فیلمی در سینما به نمایش گذاشته می شود، مخاطب می نشیند و تماشا می کند و هیچگاه از خود نمی پرسد این فیلم ساخته آمریکا است یا فرانسه و یا انگلستان.

آیا در عصری که فیلم و تصویر متحرک جایگزین تمامی رسانه های دیگر شده است، شناختن سینما لازم نیست؟

بیند و تبعیت کند. خصوصاً اگر این مخاطب فیلم را برای فراگیری زبان دستوری سینما تماشا می کند (مانند دانشجویان این رشته در دانشگاه).

قرآن کریم می فرماید: «قَبِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر/۱۷) این آیه شریفه گرچه در مورد شنیدن گفتار و تبعیت کردن از بهترین گفتار است لکن پیام اخلاقی آن قابل تعمیم به مورد خواندن یک کتاب یا دیدن یک فیلم نیز می باشد. بنابراین کسی که خوب می خواند و خوب گوش می دهد و خوب می بیند و از همه جا خوبی ها را انتخاب می کند بهتر از هر کس توفیق برقراری نسبت به صاحب اثر پیدا کرده است. در کلمات معصومین چنین می خوانیم: «مَنْ عَدِمَ السَّمْعَ يَفْقَدُ رُوحَ الْمَخَاطَبَةِ»^(۱) کسی که شنیدن را از دست بدهد روح گفتگو و مخاطب را از دست داده است. □

بگوید ولی این نقص و ابهام ها به حساب اصل و اساس دین گذاشته نمی شود چنانچه سایر دانشمندان دینی چون متکلم و اصولی و فیلسوف و مفسر و... نیز همین حکم را دارند.

۲. مخاطب با قطع نظر از دریافتی که خود از فیلم به عنوان یک اثر هنری ساخته شده و جدای از کارگردان داشته است اگر بخواهد نسبت به فیلم اظهار نظری بکند که در ارتباط با کارگردان و هنرمندان فیلم است باید جانب انصاف را نگه دارد و شرایطی که فیلم در آن شرایط ساخته و پرداخته شده است، در نظر بگیرد، از آنجا که فیلم تحت تأثیر عوامل زیادی است که در بحث های قبلی به بعضی از آنها اشاره شد باید آنها را بشناسد. این شرایط متعدد هستند، شرایط سیاسی حاکم، شرایط اقتصادی (که این دو برای ساختن یک فیلم واقعاً سرنوشت ساز است)، عقایدی که در جامعه حکم فرما بوده است، شرایط مخاطبین فیلم (مثلاً مخاطبی که جنگ زده است با مخاطبی که در رفاه و آسایش و دور از غوغای جنگ بوده فرق می کند) و از همه مهم تر عقاید خود کارگردان به عنوان مثال اگر چند کارگردان در جمع شرایط با هم برابر باشند و تنها از نظر عقیده با یکدیگر مختلف باشند و از آنها بخواهیم فیلمی راجع به یک موضوع بسازند باز آن فیلم ها با یکدیگر تفاوت اصلی و کلی خواهند داشت. نمونه روشن این اختلاف در فیلم هایی که از زندگی ژان دارک ساخته شده مشهود است که علت اساسی اختلاف، عقاید متفاوتی است که کارگردانان داشته اند بویژه در مورد دراپر و برسون.

۳. مخاطب سینما باید خصلت زنجور عسل را داشته باشد که گل ها را انتخاب می کند گرچه در کنار این گل ها زباله ای هم وجود داشته باشد. یعنی نسبت به هر فیلمی موارد خوب و تعالی بخش را

پانوشت ها:

- (۱) بیدار کردن اقلیم قلبه - محمد رضا حکیمی - ص ۲۰۴
- (۲) همان - ص ۱۹۸
- (۳) همان - ص ۲۰۰
- (۴) همان - ص ۱۹۶
- (۵) راهنمای نظریه و نقادی فیلم - ابروین/ترجمه: فؤاد نجف زاده - ص ۲
- (۶) با استفاده کامل از: کیهان - ۱۵ دی ۱۳۷۱ - سرویس مقالات: ویدئو و آنتن ماهواره ای در کشورهای اسلامی - اثر علیرضا خزانلی.
- (۷) مبانی نظری هنر - شهید سید مرتضی آوینی - ص ۱۰۱
- (۸) بحار الانوار - علامه مجلسی (ره) - ج ۳ - ص ۷۰